

(مقاله مروری)

اخلاق در پژوهش: چستی خودعلم‌ربایی

دکتر حسین اترک*

گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان

(تاریخ دریافت: 95/8/1، تاریخ پذیرش: 95/11/4)

چکیده

زمینه: این مقاله در زمینه اخلاق پژوهش به ماهیت و چستی یکی از سوء رفتارهای پژوهشی به نام خودعلم‌ربایی یا سرقت علمی از خود می‌پردازد. سرقت علمی یا علم‌ربایی به نسبت دادن اثر دیگران به خود و انتشار آن به نام خود گفته می‌شود که خودعلم‌ربایی یا سرقت علمی از خود یکی از انواع آن است. برخی از مسائل مطرح در این مقاله عبارت است از: خودعلم‌ربایی چیست و چه انواعی دارد؟ انتشار مجدد آثار پیشین خود تحت چه شرایطی جایز است؟

نتیجه‌گیری: برخی از نتایج به‌دست آمده در این تحقیق عبارتند از: خودعلم‌ربایی به انتشار دوباره کل یا بخشی از آثار منتشر شده پیشین خود بدون ارجاع مناسب به آنها گفته می‌شود. انتشار مجدد، پژوهش تکه‌شده، بازبایی متن از انواع خودعلم‌ربایی هستند. از آنجا که در سرقت از خود معنا ندارد، پیشنهاد می‌شود به‌جای اصطلاحات «سرقت از خود» یا «خودعلم‌ربایی» از اصطلاح «انتشار مجدد» استفاده شود. پژوهشگران و مؤلفان به هنگام استفاده از آثار منتشر شده پیشین خود باید ارجاع مناسبی به آنها بدهند و آن را به اطلاع خوانندگان، سردبیران و مسئولان نشر برسانند. در صورت استخراج چند مقاله پژوهشی از یک موضوع مانند رساله دکتری یا طرح پژوهشی و همپوشانی آنها با یکدیگر مراتب را به اطلاع سردبیران نشریات برسانند. از انتشار مجدد عین مقالات منتشر شده در کنفرانس‌ها باید پرهیز شود.

کلیدواژگان: اخلاق پژوهش، سرقت علمی، خودعلم‌ربایی، انتشار مجدد، پژوهش تکه‌شده

سر آغاز

خودعلم‌ربایی چیست؟ آیا خودعلم‌ربایی یکی از انواع علم‌ربایی است یا ماهیتی جدا از آن دارد و باید آن را یک عنوان مستقل از سوء رفتار پژوهشی و دانشگاهی در کنار علم‌ربایی و دیگر سوء رفتارها دانست؟ به چه دلایلی خودعلم‌ربایی رفتاری غیراخلاقی است؟ آیا انتشار مجدد تمام یا بخشی از اثر خود که پیشتر در نشریه یا کنفرانسی منتشر یا به شکل سخنرانی ارائه شده است، اشکال دارد؟ آیا تکه تکه کردن نتایج یک پژوهش واحد و انتشار هر بخشی از آن به‌عنوان یک پژوهش مستقل، سوء رفتار پژوهشی است؟ انتشار مستقل مقالات و آثار علمی دارای همپوشانی چه حکمی دارد؟ تحت چه شرایطی و به چه میزان می‌توان از متن مقالات و آثار علمی منتشر شده پیشین خود در مقالات و پژوهش‌های جدید استفاده کرد؟ ترجمه یک مقاله منتشر شده به یک زبان و انتشار مجدد آن به زبان دیگر

سرقت علمی یا علم‌ربایی¹ (به تعبیر نویسنده) یکی از موضوعات مهم در اخلاق پژوهش است که در سال‌های اخیر به‌خاطر رشد و توسعه دنیای مجازی و دسترسی آسان به منابع اینترنتی رشد بیشتری در میان محققان و پژوهشگران پیدا کرده است. گاه سرقت‌های علمی آگاهانه و با علم به قوانین نشر است و گاه ناآگاهانه و به‌خاطر بی‌اطلاعی از قوانین نشر و اخلاق پژوهش. (1) علم‌ربایی انواع مختلفی دارد که به اعتقاد برخی «خودعلم‌ربایی» یکی از آنهاست. هدف اصلی این پژوهش تبیین چستی خودعلم‌ربایی و بیان انواع مختلف آن است تا با روشن‌نگری اخلاق پژوهش در این زمینه از سرقت‌های علمی ناآگاهانه و غیرعمدی در جامعه جلوگیری شود. برخی از مسائلی که در این تحقیق به آنها پاسخ داده خواهد شد عبارتند از:

* نویسنده مسؤل: نشانی الکترونیکی: atrak.h @ znu.ac.ir

چه حکمی دارد؟ این‌ها مسائلی است که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد.

1. تعریف خودعلم ربایی

هرچند به اعتقاد برخی هرگونه معادل فارسی برای «سِلَف پلجریزم»² قابل مناقشه است (1) ولی نویسنده ترجیح می‌دهد معادل «خودعلم ربایی» را برای آن به کار ببرد. معادل‌های دیگری نیز مانند «سرقت علمی از خود» یا «خودنوشتار دزدی» برای آن به کار رفته است. (2) خودعلم ربایی آن است که مؤلف اثر یا اطلاعات پیش تر منتشر شده خود را دوباره در نوشتاری جدید به کار ببرد بدون اینکه اعلام کند آنها پیشتر منتشر شده‌اند؛ (3) به تعبیر دیگر، «انتشار عین یا مشابه مقاله در نشریات متعدد را خودعلم ربایی» گویند. (4) برخی از تعاریف برای انتشار مجدد آثار پیشین مقدار و حجم خاصی را مشخص نموده‌اند و بیشتر از آن را خودعلم ربایی خوانده‌اند: «بکارگیری دوباره ده درصد یا بیشتر از هر اثر منتشر شده پیشین بدون ارجاع را علم ربایی از خود گویند.» (5)

در نتیجه می‌توان گفت: خودعلم ربایی انتشار مجدد تمام یا بخش‌های قابل توجهی از اثر منتشر شده پیشین خود بدون اعلام و ارجاع مناسب به آن است. بنابر برخی تعاریف مقصود از «انتشار مجدد»³ «بازتولید اثر پیشین با نتایج و دستاوردهای یکسان» است. (3) در واقع جزء اصلی و عامل نادرستی خود علم ربایی همین جزء انتشار مجدد است. انتشار مجدد می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد: (1) گاه عین یک مقاله با یک عنوان و محتوا در دو نشریه منتشر می‌شود؛ (2) گاه یک مقاله با حفظ محتوا و ایده اصلی پیشین، همراه با تغییر عنوان و تغییرات جزئی در محتوا دوباره منتشر می‌شود؛ (3) گاه بخشی از یک اثر در تلفیق با موضوعی دیگر با عنوان جدید دوباره منتشر می‌شود.

جزء مهم در تعریف خودعلم ربایی قید «بدون اعلام و اسناد مناسب»⁴ است. علت اصلی نادرستی خودعلم ربایی انتشار مجدد اثر خود بدون اعلام آن به سردبیر، ناشر و خوانندگان و ارائه کردن آن به عنوان یک اثر جدید است. انتشار مجدد در صورت اعلام مناسب و عدم فریب دیگران، در شرایطی که نویسنده

ضرورتی برای این کار ببیند می‌تواند قابل قبول باشد. علاوه بر عدم اعلام، علت نادرستی خودعلم ربایی عدم «ارجاع مناسب» است؛ یعنی اگر نویسنده عین کلمات، عبارات و ایده منتشر شده پیشین خود را دوباره منتشر می‌سازد باید به آن مانند یک اثر مجزا و مستقل نگاه کند و همه قواعد تألیف در مورد آن مخصوصاً شیوه درست ارجاع دهی را رعایت کند. وقتی بخشی از اثر پیشین خود را در اثر جدید ذکر می‌کند، این کار نقل قول محسوب می‌شود و باید قواعد نگارشی مربوط به نقل قول را کامل رعایت کند؛ مثلاً اگر عین عبارات اثر پیشین خود را در اثر جدیدش ذکر می‌کند، نقل قول مستقیم⁵ محسوب شده و باید آن را داخل نشانه نقل قول⁶ (گیومه) قرار داد یا به صورت ستون نقل قول⁷ نمایش دهد و اگر محتوای مطالب پیشین خود را با الفاظ و عباراتی جدید ذکر می‌کند، نقل قول غیرمستقیم⁸ است و تنها باید به اثر پیشین خویش ارجاع دهد.

2. رابطه علم ربایی و خودعلم ربایی

بنابر تعریف «علم ربایی به کار بردن ایده‌ها و کلمات شخص دیگر بدون اعلام مناسب⁹ به منبع اصلی»⁶ یا «برداشتن و به خود نسبت دادن ایده‌ها و نوشته‌های دیگران»⁷ است. در اغلب تعاریف علم ربایی متعلق عمل ربایش، آثار و نوشته‌های دیگران بیان شده است. در تعاریف اندکی می‌توان مشاهده کرد که این قید ذکر نشده باشد، مانند: «ارائه یک ایده یا محصول اخذ شده از یک منبع موجود به عنوان ایده و محصول جدید و اصیل». (8) نکته مهم تعریف اخیر آن است که متعلق علم ربایی را اثر شخص دیگر معرفی نکرده است بلکه آن را اثر موجود، خواه اثر قبلی منتشر شده خود، چیزی را بدون ارجاع به آن بردارد و در اثر جدید خود به کار ببرد، مرتکب علم ربایی از خود شده است. بنابراین مسأله مهم در تبیین ماهیت خودعلم ربایی و امکان آن بررسی دخیل بودن قید «دیگران» در تعریف علم ربایی (به خود نسبت دادن اثر دیگران) است. آیا علم ربایی از خود امکان دارد؟ همان‌طور که برخی از محققان متذکر شده‌اند مفهوم «خودعلم ربایی» در نگاه اول مفهومی غیرممکن به نظر می‌رسد؛ چرا که سرقت از خود امکان ندارد؛ (3) چون سرقت برداشتن

تعبیر بهتر «انتشار مجدد» در نگاه اول با توجه به ذاتش قبیح به نظر نمی‌رسد؛ بلکه قبح آن در نگاه دوم، با توجه به‌جوه و اعتباراتی است که بر آن مترتب می‌شود. برخی از این علل و جوه نادرست‌ساز عبارتند از:

(1) **فریب دیگران:** اغلب علت نادرستی انتشار مجدد را تلاش برای فریب مخاطب و خوانندگان ذکر می‌کنند. جامعه علمی اعم از سردبیران، ناشران و خوانندگان تصور می‌کنند آنچه در این مقاله ارائه شده است، مطالب جدید و آخرین دستاوردهای مؤلف است، ولی در واقع چنین نیست و این اثر قبلاً به‌عنوان یک اثر جدید منتشر شده است. (3)

(2) **سلب فرصت از دیگران:** از آنجا که فضای نشریات فضای رقابتی است، چاپ یک اثر در یک نشریه فرصت را از دیگر مقالات برای انتشار می‌گیرد. لذا انتشار مجدد یک اثر یک فرصت را از مقاله‌ای دیگر می‌گیرد. (3)

(3) **ضرر به دیگران:** ارسال مجدد یک اثر به هر نشریه‌ای موجب اتلاف وقت داوران، مدیر، سردبیر و هیأت تحریریه می‌شود. علاوه بر این موجب تحمیل هزینه‌هایی برای صاحبان امتیاز نشریات جهت داوری، ویراستاری و چاپ آن مقاله می‌شود. (3) انتشار مجدد می‌تواند باعث ضرر به ناشر نیز بشود. وقتی مؤلفی اثر منتشر شده پیشین خود را اعم از کتاب، مقاله، اختراع و ... به ناشر یا خریدار دیگری می‌دهد، بدون بیان اینکه این اثر پیشتر منتشر شده است، موجب ضرر مالی به طرف مقابل می‌شود.

(4) **گمراهی جامعه علمی:** انتشار مجدد آثار باعث می‌شود جامعه علمی و نهادهای ذی‌ربط در ارائه آمارهای انتشار مقالات جدید و تولید علم در کشور و جهان دچار اشتباه و خطا شوند و رتبه‌بندی‌های نادرستی بین افراد و کشورها انجام پذیرد. (3) همچنین باعث ایجاد تورم بی‌حاصل در حجم داده‌ها و بزرگنمایی و تأکید بی‌بهره بر یافته‌های یک پژوهش می‌شود. (11)

اموال دیگران برای خود بدون اجازه است. درحالی‌که خودعلم‌ربایی برداشتن اثر خود و انتشار دوباره آن در اثر جدید همراه با آگاهی است. به همین خاطر، برخی خودعلم‌ربایی را مصداق علم‌ربایی ندانسته‌اند. (4) طرفداران این دیدگاه ترجیح می‌دهند خودعلم‌ربایی را «انتشار مجدد اثر» بخوانند و آن را از انواع علم‌ربایی خارج سازند. انتشار مجدد یعنی «انتشار تمام یا بخشی از مقاله (یا مجموعه‌ای از داده‌ها و نتایج) بیش از یک‌بار بدون اطلاع‌رسانی مناسب از این واقعیت». (9) به اعتقاد ایشان وقتی نویسنده بخش کوتاهی از متن یا اشکال و جداول را در موارد تکراری به‌کار می‌برد، بهتر است آن را «بازیابی نامناسب»¹⁰ مواد نامید. ایشان جعل اصطلاح خودعلم‌ربایی را راهی گیج‌کننده برای طرح مشکل همپوشانی آثار با یکدیگر دانسته‌اند. (9)

نگارنده نیز با توجه به تفاوت ماهیت علم‌ربایی و خودعلم‌ربایی و اینکه علت نادرستی اخلاقی علم‌ربایی نسبت دادن آثار دیگران به خود است، ولی علت نادرستی خودعلم‌ربایی انتشار مجدد اثر منتشر شده به‌عنوان اثری جدید است، ترجیح می‌دهد اصطلاح خودعلم‌ربایی کنار گذاشته شود و به‌جای آن اصطلاح «انتشار مجدد» استفاده گردد.

3. علت نادرستی خودعلم‌ربایی

اغلب «خودعلم‌ربایی» را به‌خاطر اشتغال بر تقلب¹¹ و حيله‌گری غیراخلاقی می‌دانند؛ چرا که «انتشار مجدد» تهدید کننده اعتماد عمومی به‌صداقت علمی است. انتشار دوبار یک اثر بدون اعلام، فریب سردبیر، داوران، خوانندگان و گروه‌های دیگری است که امتیازاتی را برای انتشار آثار قائل می‌شوند. (5) البته ذکر این نکته لازم است که در تعریف فریب گفته شده است: «شخص به عمد باعث شود دیگری باور نادرستی پیدا کند». (10) بنابراین در صورتی که فاعل علم به نادرستی فعلش (در اینجا انتشار مجدد) نداشته باشد، عمل او را نمی‌توان مصداق فریب دانست بلکه مصداق خطا و نقض ناآگاهانه قوانین پژوهش و انتشار است.

برخلاف علم‌ربایی که انتساب آثار دیگران به خود است و عنوان آن از نظر ذاتی مقتضی قبح است، عنوان خودعلم‌ربایی یا به

به نظر می‌رسد با توجه به وجود اصطلاحات دیگر چون «همپوشانی داده‌ها»¹² و «بازیابی متن» برای برخی دیگر از سوء رفتارهای پژوهشی و جهت تفکیک آنها از یکدیگر، باید معیار اصلی برای «انتشار مجدد» خواندن یک اثر را انتشار دوباره «جوهر اصلی» یک مقاله دانست. اگر مؤلفی مقاله‌ای منتشر سازد که بخش‌های اصلی آن یا به تعبیر دیگر، جوهر آن متخذ از مقاله منتشر شده پیشین او باشد و این مطلب را به اطلاع خوانندگان و سردبیر نشریه نرسانده باشد، آن را تخلف پژوهشی «انتشار مجدد» می‌خوانند. بنابراین «استفاده از جوهر اصلی مقاله پیشین» و «عدم اطلاع‌رسانی مناسب» دو جزء ماهوی عمل غیراخلاقی «انتشار مجدد» هستند. بنابراین در مقام تعریف می‌گوییم: استفاده از جوهر اصلی مقاله منتشر شده پیشین در مقاله جدید بدون اعلام مناسب را انتشار مجدد خوانند.

4-2. پژوهش تکه‌شده

«علم تکه‌شده»¹³ یا «انتشار تکه‌تکه»¹⁴ یکی دیگر از انواع خودعلم ربایی یا انتشار مجدد است (9) که به تکه کردن یک پژوهش بزرگ و انتشار هر تکه آن به‌عنوان یک مقاله مستقل گفته می‌شود. (12) برخی در بیان تفاوت این نوع از خودعلم ربایی با انتشار مجدد گفته‌اند که در انتشار مجدد، نتایج دقیقاً واحد در دو مقاله منتشر می‌شوند، ولی در پژوهش تکه‌شده در هر مقاله‌ای بخشی از نتایج منتشر می‌شود که متفاوت از دیگری است. (3) برخی دیگر در توصیف پژوهش تکه‌شده چنین گفته‌اند که دو مقاله منتشر شده در فرضیه، روش و نتایج مشابه هم هستند، ولی متن آنها با یکدیگر متفاوت است؛ به تعبیر دیگر داده‌ها و اطلاعاتی که هر مقاله مشتمل بر آن است با یکدیگر متفاوتند، ولی نتایج و روش تحقیق یکسان است. (15) برخی نیز اشتراک مقالات مستخرج از پژوهش تکه‌شده را در مقدمه و روش دانسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «انتشار بخش‌های مجزا از یک پژوهش با مقدمه و روش تقریباً یکسان و مشابه در نشریات مختلف». (16) در نهایت می‌توان آن را چنین توصیف می‌کند: «گزارش نتایج یک پژوهش واحد در دو یا چند نوشته». (17)

این گمراهی می‌تواند به شکل دیگری که برخی محققان آن را «ایجاد نقص در فراتحلیل‌ها» نامیده‌اند صورت گیرد. منظور از آن این است که انتشار مکرر نتایج تحقیق واحد باعث تحریف در تحلیل داده‌ها می‌شود. برای مثال در تحقیقی که بر روی تأثیر دارویی خاص بر تهوع بعد از عمل جراحی انجام شده بود، نتایج پژوهش نشان داد که 17 درصد از گزارش‌های منتشر شده درباره تأثیر دارو و 28 درصد داده‌ها تکراری بوده‌اند. در نتیجه، این انتشارهای مکرر باعث تحریف در تحلیل‌ها شده و تأثیر دارو 23 درصد بیشتر برآورد شده بود. (11)

بنابراین انتشار مجدد یک اثر بنا به این دلایل نادرست است: (1) فریب دیگران، (2) ضرر به دیگران اعم از ضرر مادی یا معنوی، (3) گمراهی جامعه علمی و مخدوش ساختن آمار نشر، (4) کسب منافع و امتیازات اضافی به خاطر انتشار مجدد.

4. انواع خودعلم ربایی

مهمترین انواع خودعلم ربایی عبارتند از: انتشار مجدد، پژوهش تکه‌شده و بازیابی متن. (12)

4-1. انتشار مجدد

اصلی‌ترین نوع خودعلم ربایی که خودعلم ربایی را با آن معادل می‌دانند، «انتشار مجدد» است. براساس تعریف کمیته بین‌المللی سردبیران پزشکی انتشار مجدد به «انتشار مقاله‌ای گفته می‌شود که جوهر و قسمت‌های اصلی آن با مقاله منتشر شده دیگر همپوشانی داشته باشد، بدون اینکه مؤلف به انتشار قبلی ارجاع روشن و آشکار داده باشد». (13) در تعریفی دیگر علاوه بر مقالات دارای همپوشانی، به مقالات ارسالی همزمان به نشریات نیز انتشار مجدد گفته شده است: «انتشار مجدد که گاه با عنوان خودعلم ربایی به آن اشاره می‌شود، به مقالات کامل یا بخش‌های اصلی از مقاله‌ای گفته می‌شود که پیشتر منتشر شده است و نیز به مقالات همزمان ارسال شده به دو یا چند نشریه». (14) برخی نیز تن‌ها یکسان بودن نتایج مقالات را ملاک انتشار مجدد دانسته‌اند: «انتشار نتایج یکسان در بیش از یک مقاله» تعریف کرده‌اند. (12)

تمام موارد فوق را با جزئیات به سردبیر نشریه توضیح دهد». (15)

3-4. بازیابی متن

«بازیابی متن»¹⁶ نوع دیگری از خودعلم ربایی است که به «استفاده دوباره از عبارات، جملات، یا پاراگراف‌های منتشر شده در اثر پیشین بدون ارجاع مناسب» گفته می‌شود. (12) تفاوت بازیابی متن با انتشار مجدد در این است که در انتشار مجدد جوهر و بخش‌های اصلی یک مقاله مجدد منتشر می‌شود، ولی در بازیابی متن ممکن است بخش‌های غیراصولی و اطلاعات مروری مانند مقدمه، تاریخچه و روش دوباره در مقاله دیگری به کار گرفته شود. به تعبیر دیگر هر انتشار مجددی بازیابی متن است، ولی هر بازیابی متنی انتشار مجدد نیست. تفاوت دیگر این است که بازیابی متن و انتشار بخش‌های غیر اصلی پژوهش پیشین در صورت ارجاع مناسب جایز است.

به عقیده برخی محققان درستی و نادرستی عمل بازیابی متن بستگی به میزان متن دوباره منتشر شده و شرایط مؤلف دارد. در موارد خاصی مقدار داده‌ها و متن بازیابی شده ممکن است توجیه‌کننده انتشار بیش از یکبار باشد و حتی شکل قانونی داشته باشد. مسأله اصلی در اینجا فریب است. انتشار دوباره یک متن مستلزم ارجاع صادقانه و درست به منابع پیشین است و سردبیران مجلات باید از این موضوع اطلاع کامل داشته باشند. (18)

5. موارد جواز انتشار مجدد

با وجود ممنوعیت اولیه خودعلم‌ربایی یا به تعبیر دقیق‌تر انتشار مجدد، محققان موارد جوازی را برای استفاده دوباره از اطلاعات و متون قبلی خود ذکر کرده‌اند. (3)

1-5. انتشار خلاصه مقاله کنفرانسی: یکی از موارد جواز انتشار مجدد وقتی است که خلاصه و چکیده مقاله منتشر شده در کنفرانس‌ها در قالب یک مقاله کامل منتشر شود. (15) این مورد از آنجا شامل انتشار مجدد یک اثر می‌شود که به‌طور معمول ایده اصلی مقالات در چکیده مقاله آنها بیان می‌شود. بنابراین ایده منتشر شده در چکیده مقاله وقتی در مقاله کامل

نوع دیگری از سوء رفتار پژوهشی که مصداق پژوهش تکه شده است، «افزایش داده»¹⁵ است. در این روش مؤلف ابتدا تحقیقی را انجام می‌دهد، ولی همه داده‌ها را برای اثبات نتیجه تحقیق در مقاله اول منتشر نمی‌کند بلکه بعد از انتشار مقاله اول، بار دیگر با افزودن داده‌های جدید و تقویت‌کننده به مقاله اول، همان نتایج مقاله اول را یا با افزودن نتایج دیگر به شکل نتیجه‌ای ترکیبی در مقاله جدیدی دوباره منتشر می‌سازد؛ در صورتی که امکان ارائه همه داده‌ها و نتایج به‌طور یکجا در مقاله اول وجود داشت. براین اساس اگر نتایج یک پژوهش کلی می‌تواند به بهترین وجه در یک مقاله به صورت یک نتیجه واحد کلی منتشر شود، تکه کردن آن و انتشارش در مقالات متعدد خطاست. (3)

البته اگر تحقیق واحد مشتمل بر بخش‌های متعدد، فرضیه‌های متعدد، روش‌های گوناگون و نتایج و دستاوردهای مختلف باشد و امکان ارائه آن در مقاله واحد ممکن نباشد، انتشار هر یک از بخش‌ها در مقالات متعدد مجاز است. بنابراین نکته اصلی که باید به آن توجه داشت امکان یا عدم امکان ارائه نتایج یک پژوهش در مقاله واحد است. اگر با وجود چنین امکانی مؤلفی تحقیق واحد را تکه تکه کند و در مقالات متعدد منتشر سازد تا از این طریق امتیاز پژوهشی بیشتری کسب نماید، مرتکب سوء رفتار پژوهشی شده است، گرچه مقالات وی از نظر روش، داده‌ها و نتایج با هم متفاوت هم باشند. بنابراین تعریف پیشنهادی از پژوهش تکه‌شده این است: انتشار مقالات متعدد مستخرج از پژوهش واحد بدون تفاوت معنادار آنها از حیث متن، مواد و داده‌ها، فرضیه، روش و نتایج و با وجود امکان انتشار آنها در مقاله واحد.

براین اساس الزامات اخلاقی مربوط به پژوهش تکه شده به این شرح است: «1» نتایج هر مطالعه انجام شده باید در یک مقاله منتشر شود؛ (2) نوشته دوم مبتنی بر داده‌های منتشر شده پیشین باید (1-2) به درستی به مقاله منتشر شده پیشین ارجاع دهد؛ (2-2) در کنار ارجاع به آن باید به روشنی مشخص کند که کدام قسمت‌ها مقاله قبلاً منتشر شده است؛ (3-2) به روشنی مشخص کند چه نتایج و داده‌های جدیدی به مقاله اضافه شده است؛ (4-2) داده‌های منتشر شده در مقاله پیشین را تکرار نکند؛ (5-2)

5-5. انتشار مقالات به صورت کتاب: گاه مؤلفان مقالات منتشر شده پیشین خود را دوباره به صورت کتاب منتشر می سازند. این کار ممکن است به دو صورت انجام پذیرد: یک صورت آن این است که محقق یک پروژه تحقیقی وسیع و گسترده برای خود طرح ریزی می کند و از ابتدا قصد آن دارد که این تحقیق را پس از اتمام به صورت یک کتاب منتشر شود. اما از آنجا که انجام پژوهش فرایندی طولانی است، با انجام هر بخش از آن، مرحله به مرحله، نتایج تحقیق را به صورت مقاله منتشر می سازند. این کار علاوه بر اینکه جامعه علمی را از نتایج یک تحقیق جدید بهره مند می سازد، به نوعی اعلام مؤلف به جامعه علمی در خصوص شروع یک پروژه تحقیقی جدید توسط اوست و مانع موازی کاری محققان آن حوزه می شود. همچنین محقق با انتشار بخش به بخش پروژه تحقیقی خود بازخوردهای جامعه علمی نسبت به پژوهش خود را مشاهده می کند و چه بسا قبل از انتشار نتایج تحقیق به صورت کتاب در برخی از آنها تجدید نظر کند یا پاسخ منتقدان را نیز در کتابش بگنجاند. صورت دوم آن است که مؤلف از پیش تصمیم بر انتشار نتایج تحقیق به صورت کتاب را ندارد و هر یک از موضوعات تحقیقی خود را با نیت انتشار یک مقاله مستقل منتشر می سازد. اما پس از گذشت سال ها و انجام تحقیقات جزئی مشابه دیگر در آن حوزه با مجموعه مقالاتی از خود مرتبط با یک موضوع پژوهشی مواجه می شود که می توانند یکجا و به طور جامع به صورت یک کتاب منتشر شوند. قطعاً انتشار مقالات پراکنده به صورت یک کتاب هم به ماندگاری آنها کمک می کند و هم اثر کامل تری را در اختیار خوانندگان و محققان آن حوزه قرار می دهد. گاه حتی این گونه کتاب منتشر شده نه از سوی خود مؤلف بلکه از سوی علاقمندان او به صورت یادنامه است تا هم احترام به مقام محقق باشد و هم آثار علمی او را بیشتر محافظت شود. بنابراین انتشار مجدد مقالات منتشر شده پیشین به صورت کتاب یک رفتار پژوهشی مورد پذیرش و خالی از اشکال است.

بسط داده می شود، مصداق انتشار بخش یا تمام یک اثر منتشر شده خواهد بود.

چاپ دوباره مقالات کنفرانسی در نشریات بدون ایجاد تغییر قابل توجه در آن مصداق انتشار مجدد است. گاه مشاهده شده است که مقالات کنفرانسی بدون تغییر و اصلاح قابل توجهی در نشریات منتشر می شوند. در یک تحقیق انجام شده بر روی مقالات منتشر شده اعضای هیأت علمی دانشگاهی در آمریکا روشن شد که 50 درصد آنها همان مقالات کنفرانسی بوده اند. (5)

5-2. وجود خوانندگان متفاوت: در صورتی که خوانندگان مختلفی در حوزه های مختلف برای یک مقاله وجود داشته باشد، به نحوی که مؤلف احتمال دهد خوانندگان حوزه (ب) از انتشار مقاله او در حوزه (الف) و نشریه تخصصی آن مطلع نشده اند، می تواند انتشار مقاله خود را دوباره در نشریه تخصصی (ب) منتشر سازد. البته این کار باید با اطلاع سردبیران دو نشریه صورت گیرد (3، 15).

5-3. انتشار اثر به زبان دیگر: مورد جواز دیگر آنجاست که یک اثر ابتدا به یک زبان منتشر می شود و سپس مؤلف آن را به زبان دیگری ترجمه کرده و در نشریه ای به زبان دوم منتشر می کند. انتشار یک اثر به چند زبان مجاز شمرده است. البته در اینجا نیز تأکید شده است که انتشار مقاله به زبان های قبلی باید به اطلاع سردبیران و خوانندگان برسد (3، 15). در واقع دلیل این تجویز وجود مخاطبان و خوانندگان متفاوت است.

5-4. اضافه کردن معرفت جدید: در صورتی که به مقاله منتشر شده قبلی، بخش های جدیدی که مشتمل بر مطالب اصلی بیشتری از محتوای مقاله قبلی باشد، انتشار مجدد آن جایز است. البته مطالب جدید باید قابل توجه و مربوط به بخش های اصلی مقاله باشد نه بخش های مروری و غیر اصلی. در اینجا نیز میزان هم پوشانی مقاله جدید با مقاله قبلی و بخش های اضافه شده جدید باید به اطلاع سردبیر و خوانندگان برسد (5، 15).

نتیجه گیری

واژه نامه

1. plagiarism	علم ربایی
2. Self-plagiarism	خودعلم ربایی
3. Duplicate Publication	انتشار مجدد
4. Appropriate Attribution	اسناد مناسب
5. Quoting Directly	نقل قول مستقیم
6. Quotation Marks	نشانه نقل قول
7. Block Quotation	ستون نقل قول
8. Quoting Indirectly	نقل قول غیرمستقیم
9. Proper Acknowledgment	اعلام مناسب
10. Inappropriate Recycling	بازیابی نامناسب
11. Cheating	تقلب
12. Overlapping Data/Publication	همپوشانی داده/انتشار
13. Salami Science	علم تکه شده
14. Salami Publication	انتشار تکه شده
15. Data Augmentation	افزایش داده
16. Text Recycling	بازیابی متن

Reference

1. Farhud DD. (2008). Scientific misconducting, academic dishonesty, document falsification. *Ethics in Science and Technology*; 3(3,4): 1-5. (In Persian).
2. Maharati Y, Bromand E, Loghmani H. (6-2014). Ethics in scientific research process. *Ethics in Science and Technology*; 9(1):1-10. (In Persian).
3. Roig M. (2015). Avoiding plagiarism, self-plagiarism, and other questionable writing practices: A guide to ethical writing. Available at: <http://ori.hhs.gov/images/ddblock/plagiarism.pdf>. Accessed: 5 Jun 2015.
4. Bouville M. (2008). Plagiarism: words and ideas. *Sci Eng Ethics*; 14:311-322.
5. Bretag T, Mahmud S. (2009). Self-plagiarism or appropriate textual re-use? *J Acad Ethics*; 7:193-205.

در این تحقیق روشن شد که خودعلم ربایی به انتشار مجدد آثار منتشر شده پیشین بدون ارجاع مناسب و اطلاع رسانی به خوانندگان، سردبیران، داوران و دیگر عوامل نشر گفته می شود. با توجه به این تعریف و همچنین بی معنا بودن سرقت از خود پیشنهاد می شود به جای تعبیری چون خودعلم ربایی یا سرقت علمی از خود از اصطلاح «انتشار مجدد» استفاده شود. برای پرهیز از این رفتار سوء پژوهشی و متهم شدن به آن توصیه می شود که (1) از انتشار مجدد تمام یا بخش عمده ای از آثار منتشر شده پیشین اجتناب شود و در صورت نیاز به انتشار مجدد بخشی از اثر قبلی، مراتب به اطلاع خوانندگان، سردبیران و مسئولان نشر رسانده شود؛ (2) نتایج تحقیق و پژوهش واحد در صورت امکان در یک مقاله منتشر شود و حتی الامکان از تکه کردن پژوهش واحد و انتشار مستقل اجزاء آن پرهیز شود؛ (3) در صورت عدم امکان انتشار تمام نتایج یک تحقیق در اثر واحد و انتشار مستقل اجزاء آن در هر یک از آثار منتشر شده به آثار منتشر شده قبلی ارجاع مناسب داده شود و مراتب به اطلاع خوانندگان، سردبیران و مسئولان نشر رسانده شود؛ (4) از انتشار عین مقالات منتشر شده در مجموعه مقالات کنفرانس ها اجتناب شود مگر اینکه تغییر قابل توجهی در آن داده شده باشد؛ (5) ترجمه و انتشار مقالات منتشر شده قبلی به زبان دیگر در صورت اطلاع دادن به سردبیر و مسئولان نشر بلامانع است؛ (6) در صورت انتشار مجدد هر اثری به هر دلیل، بهره مندی از مزایای دوباره آن مانند گرفتن حق التثویق، امتیاز پژوهشی و ... سوء رفتار دیگری است و مراتب باید به طور شفاف و دقیق با مشخص کردن میزان همپوشانی مقالات منتشره به اطلاع مسئولان مؤسسه و دانشگاه مربوط رسانده شود.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش موضوعات اخلاقی مرتبط به ویژه امانتداری در ذکر منابع و پرهیز از سرقت علمی رعایت شده است.

13. ICMJE. (2013). Recommendations for the conduct, reporting, editing, and publication of scholarly work in medical journals. Available at: http://www.icmje.org/recommendations/archives/2013_aug_urm.pdf. Accessed on: 23 Jun 2016.
14. Anonymous. (2011). Plagiarism, duplicate publication, and other suspected author, editor, or referee misconduct, SIAM guidelines for journal editorial boards. Available at: https://www.siam.org/journals/plagiary/Plagiarism_guidelines_Mar2011.pdf. Accessed on: 23 May 2016.
15. Smolcic VS. (2013). Salami publication: definitions and examples. *Biochem Med (Zagreb)*; 23(3): 237–241.
16. Anonymous. (2009). Self-plagiarism: unintentional, harmless, or fraud? Available at: [http://www.thelancet.com/pdfs/journals/lancet/PIIS0140-6736\(09\)61536-1.pdf](http://www.thelancet.com/pdfs/journals/lancet/PIIS0140-6736(09)61536-1.pdf). Accessed on: 2 Aug 2015.
17. Elstein AS, Cadmus C, Pitkin R, Mundy D. (1998). Salami science: are we still allowing it? Available at: <http://www.councilscienceeditors.org/wp-content/uploads/v21n6p200.pdf>. Accessed on: 2 Aug 2015.
18. Lose G. (2011). Plagiarism, the international Urogynecological association. *Int Urogynecol J*; 22:903–904.
6. Fowler, J E. (2008). Avoiding unintentional plagiarism. Available at: http://grad.msu.edu/researchintegrity/docs/Plagiarism_Avoiding_Unintentional_Plagiarism.pdf. Accessed on: 12 July 2015.
7. McDonnell, KE. (2003). Academic plagiarism rules and Esl learning mutually exclusive concepts? Available at: <https://www.american.edu/cas/tesol/pdf/upload/WP-2004-McDonnell-Academic-Plagiarism.pdf>. Accessed on: 7 July 2015.
8. Merriam-Webster. (1990). Collegiate Dictionary. Available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/plagiarizing>. Accessed on: 7 Dec 2016.
9. Helgesson G, Eriksson S. (2015). Plagiarism in research. *Med Health Care and Philos*; 18:91–101.
10. Mahon JE. (2008). The definition of lying and deception. Available at: <http://plato.stanford.edu/entries/lying-deception>. Accessed on: 7 Jan 2010.
11. Samadi S, Abbasi F, Jalalzade S. (2014). Ethical issues in scientific publications: types and reasons of scientific misconduct in medical research. *Ethics in Science and Technology*; 9 (2):1-11. (In Persian).
12. Kravitz RL, Feldman MD. (2010). From the editors' desk: Self-plagiarism and other editorial crimes and misdemeanors. *J Gen Intern Med*; 26(1):1.